

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همه امتیازهای این پایان نامه به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان نامه در مجلات، کنفرانس ها و یا سخنرانی ها باید نام دانشگاه بوعلی سینا (یا اساتید راهنمای پایان نامه) و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

باسمه تعالی



دانشگاه بوعلی سینا

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی و تحلیل وضع معیشتی شاعران برجسته‌ی سبک خراسانی

(رودکی، فردوسی، فرخی و عنصری)

استاد راهنما:

دکتر اسماعیل شفق

استاد مشاور:

دکتر مهدی شریفیان

نگارش:

مولود ملک محمدی معمار

آذر ۱۳۸۹

تقدیم به وجود نازنین پدر و مادر

که مشوقان اصلی من بودند

و

همسرم که بار اصلی زحمات دوران تحصیل را
صبورانه به دوش کشید

و

پیرم که کم و کاستی های این راه را

تحمل نمود

سپاسگذاری

در این جا وظیفی خود می دانم که از جناب آقای دکتر اسماعیل شفق که راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند و جناب آقای دکتر مهدی شیرینیان که در طول دوران تحصیل کارشناسی و کارشناسی ارشد از محضرشان بهره بردم و آقایان دکتر محمد آبی و دکتر علی محمدی که افتخار ساگردی ایشان را در طول دوران تحصیلی کارشناسی ارشد با فتم تسکیر نمایم. و از ایزد منان تقای عمر و سربلندی این عزیزان را خواهانم.



دانشگاه بوعلی سینا
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی

عنوان:

بررسی و تحلیل وضع معیشتی شاعران برجسته‌ی سبک خراسانی (رودکی، فردوسی، فرخی و عنصری)

نام نویسنده: مولود ملک محمدی معمار

نام استاد راهنما: دکتر اسماعیل شفق

نام استاد مشاور: دکتر مهدی شریفیان

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی

تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۸/۱۰

تاریخ دفاع: ۱۳۸۹/۹/۲۳

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

تعداد صفحات: ۱۵۱

چکیده:

خورشید تابان نظم و نثر فارسی، هزاران سال است که بر پهن دشت ایران زمین تابیده و در سایه‌ی انوار خود، هزاران شاعروسخنور بوجود آورده است.

محور اصلی پایان نامه‌ی حاضر، بررسی ویژگی‌های معیشتی شاعران برجسته‌ی سبک خراسانی است که شامل چهار شاعر معروف این دوره (رودکی، فردوسی، فرخی، عنصری) می‌باشد؛ که این مقصود از لابه لای کتاب‌های تذکره و تاریخ ادبیات و دیگر آثار نوشتاری نویسندگان حاصل شد.

اولین شاعر ما، رودکی، هرچند شاعری درباری بود؛ اما با در نظر گرفتن جنبه‌های مثبت شخصیتی و هنری و مقامی که در ادبیات دشت، به عنوان یکی از شاعران طراز اول ما به مردم معرفی گردیده و شاید بتوان گفت: قریحه و استعداد او و اینکه اشعار خود را با آهنگ می‌خوانده، یکی از مواردی بوده که او را نزد بزرگان محبوب کرده است.

دومین شخص، شاعر ملی ما فردوسی بود؛ که نان را از دونان نخواست، همّت والای خویش را سرمایه‌ی اهداف متعالی خود قرارداد؛ و تا همیشه‌ی تاریخ نام بلند او بر تارک ادب فارسی می‌درخشد. فرخی سیستانی، سومین شاعری بود که مورد بررسی ما قرار گرفت. او جوانی گمنام از ناحیه‌ی سیستان بود که مقام و ثروت سال‌های بعد او را باید مرهون افکار ساده و توانایی او در شناختن حال و مقام بزرگان و امیران دانست. او یکی از بزرگترین شاعران دربار محمود می‌باشد و در ادب فارسی به عنوان یک شاعر درباری و مدّاح شناخته می‌گردد. چهارمین شخص، عنصری است که ملک الشعرا دربار محمود بوده و تا قبل از رسیدن به دربار او، ثروت و مقامی نداشته؛ اما به یمن اشعار مدحی خود به عنوان یکی از ثروتمندترین شاعران درباری شناخته می‌گردد. امید که توانسته باشم در این راه پرفراز و نشیب، به گوشه‌هایی از تاریخ زندگانی این بزرگان اشاره‌ای داشته باشم.

واژه‌های کلیدی: معیشت، رودکی، فردوسی، فرخی، عنصری

فصل اوّل: کلیّات پژوهش

- ۱- ۱ مقدمه ۱
- ۱- ۲ بیان مسأله ۲
- ۱- ۳ اهمیّت و ضرورت انجام پژوهش ۲
- ۱- ۴ اهداف پژوهش ۳
- ۱- ۵ فرضیه های پژوهش ۳
- ۱- ۶ روش تحقیق ۳

فصل دوم: رودکی

- ۲- ۱ رودکی، زندگی نامه و آثار ۴
- ۲- ۲ مدایح، دربار سامانیان ۹
- ۲- ۳ اشعار مدحی رودکی و ویژگی های آن ۱۳
- ۲- ۴ ممدوحین ۱۴
- ۲- ۵ اخلاقیات و چگونگی طلب صله ۱۷
- ۲- ۶ پیری، نابینایی؟ ۲۰

فصل سوّم: فردوسی

- ۳- ۱ فردوسی، اسم، کنیه، نسب، وطن ۲۳
- ۳- ۲ دهقان ۲۴
- ۳- ۳ شاهنامه و دلایل به نظم در آمدن آن ۲۹
- ۳- ۴ تعداد ابیات و تدوین های مختلف شاهنامه ۳۶
- ۳- ۵ رابطه فردوسی با محمود و دلایل مقبول نبودن شاهنامه نزد او ۳۹
- ۳- ۶ پیری، مرگ ۷۰

فصل چهارم: فرخی

- ۴- ۱ نام، نسب، موطن (زندگی نامه) ۷۵
- ۴- ۲ مقام فرخی در ادبیات، ویژگی های اشعار و زندگانی او ۷۸
- ۴- ۳ ویژگی های مدح او و ممدوحانش ۸۲
- ۴- ۴ چگونگی طلب صله و اشاره به صله هایی که به او داده شده ۱۰۶
- ۴- ۵ رابطه ی فرخی با محمود ۱۱۵

فصل پنجم: عنصری

۱۲۲.....	۵- ۱ نام، نسب، موطن
۱۲۵.....	۵- ۲ چگونگی گذران زندگی و ورود او به دربار
۱۳۰.....	۵- ۳ آثار و اشعار او (ویژگی های شعری او)
۱۳۸.....	۵- ۴ ممدوحین و معاصران
۱۴۴.....	نتیجه گیری
۱۴۷.....	فهرست منابع و مآخذ

فصل اول

کلیات تحقیق

شعر فارسی با مختصات که دارد و ویژگی هایی که براساس آن می توان این تقسیم بندی (تقسیم بندی سبک ها و ادوار تاریخی) را انجام داد، از پیشینه دیرینه ای برخوردار است. یکی از ادوار مهم تاریخی نظم و نثر فارسی، که ما در تاریخ ادبیات آن را به عنوان «سبک خراسانی» می شناسیم، و محدوده تاریخی نیمه دوم قرن سوم، قرن چهارم و قرن پنجم را در بر می گیرد، شاعران و نویسندگان برجسته ای دارد که از جمله آنها میتوان به این افراد اشاره کرد؛ مسعودی مروزی، رودکی، شهید بلخی، ابوشکور بلخی، دقیقی، کسای مروزی، منجیک ترمذی، فردوسی، فرخی و عنصری و....

اهم مطالب و فصولی که در این پایان نامه دیده می شود از این قرار است:

- ۱- فصل اول شامل کلیات پژوهش و دیگر قسمت های آن که شامل مقدمه، بیان مسأله و... می باشد.
- ۲- فصل دوم بررسی احوال و اشعار و معیشت رودکی (با تکیه بر موارد خواسته شده در سر فصل های پایان نامه)
- ۳- فصل سوم بررسی احوال و اشعار و زندگی فردوسی
- ۴- فصل چهارم بررسی احوال و اشعار و زندگی فرخی سیستانی
- ۵- و فصل پنجم بررسی احوال و اشعار و زندگی عنصری بلخی و نتیجه گیری بدست آمده از کل موضوع.

امید که تلاش نگارنده در بازجست گوشه های از تاریخ زندگانی این چهار شاعر مثمر ثمر بوده،

پژوهندگان بتوانند در استناد مطالب خود از این گفتارنامه نیز بهره ای هر چند کوتاه دریافت نمایند.

۱-۲ بیان مسأله

این موضوع، تحقیقی است پیرامون معیشت شاعران برجسته‌ی سبک خراسانی (رودکی، فرخی، عنصری و فردوسی). و به این مسأله می‌پردازد که امرارمعاش شاعران، از چه راه‌هایی بوده و وسیله‌ی کسب درآمد آنها به چه نحو بوده است. و با توجه به اینکه شاعرانی بوده‌اند که با قابلیت‌هایی که داشتند، به شاعری می‌رسیدند؛ مانند رودکی، عده‌ای نیز همچون فرخی سیستانی بودند که از طریق واسطه به نان و نوایی می‌رسیدند؛ و درنهایت، عده‌ای هم بودند که طرزتفکرخاصی داشتند و نان را از دونان نمی‌خواستند؛ همچون ناصر خسرو و فردوسی. لذا در این پایان‌نامه به نحوه‌ی معیشت این دسته از شاعران پرداخته می‌شود؛ و به علت تعدد شاعران، به ناچار به بررسی احوالات شعرای برجسته‌ی این دوره می‌پردازیم.

۱-۳ اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

در جستجوهای به عمل آمده مشخص شد که در این زمینه و با این عنوان، رساله‌ای و تحقیقی جامع درباره‌ی چگونگی معیشت شاعران سبک خراسانی صورت نگرفته است. اما به صورت کلی و اجمالی و در مقاله‌هایی به طور ضمنی به چگونگی گذران زندگی شاعران پرداخته شده است. از جمله در کتاب «پاسداران سخن» از آقای مصفا و مقاله‌هایی درباره‌ی زندگی و احوال شاعران، که در کتاب فهرست مقالات فارسی ایرج افشار بدان‌ها پرداخته شده است.

۱-۴-اهداف پژوهش

هدفی که این پایان‌نامه قصد دارد به آن پردازد، روشن کردن چگونگی امرارمعاش شاعران و نحوه‌ی کسب درآمد ایشان و همچنین به این اصل مهم می‌پردازد که آیا یک شاعر شخصاً به کسب درآمد می‌پرداخته است یا از حمایت‌های مالی و اقتصادی پادشاهان، بزرگان و شعر دوستان هم بهره می‌گرفته

است. و پذیرفتن این حمایت ها چه تأثیری بر اشعار شاعران این سبک و برجسته شدن قالب شعری قصیده داشته است.

۱-۵- فرضیه های پژوهش

- ۱- امرار معاش شاعران برجسته‌ی سبک خراسانی چگونه بوده است؟
- ۲- شاعران درباری از چه مضامین و قالب های شعری بیشتر استفاده می‌کردند؟
- ۳- چرا برخی از شاعران، تمایلی به گرفتن حمایت مالی و اقتصادی از بزرگان و پادشاهان وقت نداشته‌اند؟
- ۴- تأثیر اعتقادات و پایبندی های اخلاقی در عدم استفاده‌ی برخی شاعران از حمایت های مالی دربارها تا چه اندازه بوده است؟

۱-۶- روش تحقیق

روش انجام این تحقیق به صورت فیش برداری از منابع و مراجع کتابخانه ای بود که پس از پایان یادداشت برداری از منابع، به رشته‌ی تحریر در آمد. در پایان این بخش، مشخصات چند مرجع علمی مهم در زمینه‌ی تحقیق مورد نظر را بیان می‌دارم:

۱- آذر بیگدلی، لطفعلی بن آقا خان. (۱۳۳۷)، آتشکده‌ی آذر، تذکره‌ی شعرای فارسی زبان تا آخر

قرن دوازدهم هجری، تهران: نشر کتاب

۲- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۳)، از رودکی تا بهار، درباره‌ی بیست و دو شاعر بزرگ ایران،

تهران: نغمه زندگی

۳- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۱۶)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران: روشنائی.

فصل دوم

رودکی

۲-۱- رودکی، زندگینامه و آثار

یکی از افرادی که از این شاعر فحل نام برده، نظامی عروضی سمرقندی صاحب کتاب چهار مقاله است؛ که این کتاب را در حدود دویست و بیست سال بعد از مرگ رودکی تألیف نموده است.

آقای سعید نفیسی در کتاب جلیل خود « احوال و اشعار رودکی » صحیح ترین اقوال را در مورد نام و نسب رودکی گفته های کتاب « الانساب سمعانی » دانسته و بنا بر قول این کتاب، نام و نسب رودکی را این گونه ذکر می کند: « ابو عبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم الرودکی الشاعر السمرقندی » (۱۳۱۰، ج ۲: ۴۶۰)

همچنین در کتاب آقای نفیسی و به نقل از « لباب الالباب محمد عوفی » نام و نسب وی را « ابو عبدالله جعفر بن محمد الرودکی » ضبط کرده و این توضیح را ذکر می کند که: « در زبان فارسی این گونه رایج است که نام پسر را به نام پدر اضافه می کنند؛ پس مراد او به احتمال زیاد « ابو عبدالله جعفر بن محمد » بوده است « (همان)

آقای مصفا در کتاب پاسداران سخن در باب رودکی چنین نوشته است که: « نامش جعفر، کنیتش ابو عبدالله، تخلصش رودکی (منسوب به رودک)، پدرش محمد، زادگاهش رودک سمرقند، سال تولدش ۲۶۶ و سال مرگش ۳۲۹ است. » (مصفا، ۱۳۳۵)

آقای دکتر ذبیح الله صفا نیز قول مجمع الانساب را اصح دانسته و نام رودکی را « ابو عبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم » (۱۳۵۱: ۳۷۱) ذکر نموده است.

ادوارد براون، خاورشناس معروف، نیز نام و کنیه ی رودکی را چنین ضبط نموده است: « ابو عبدالله جعفر بن محمد الرودکی، که معمولاً رودگی یا رودکی خوانده می شود. » (۱۳۳۳: ۶۶۴)

پس از ذکر نام و لقب رودکی، گوشه هایی از گفته های تذکره نویسان و تاریخ نگاران را در مورد محل تولد و وجه تسمیه ی آن و قسمتی از زندگینامه ی این شاعر را نقل می کنیم.

در مورد رودکی برای ما فارسی زبانان (ذکرکردم فارسی زبانان و نه ایرانیان) این مهم است که رودکی (پدر شعر فارسی) با القاب « سلطان شاعران » یا هر لقب دیگر، شاعر و موسیقی دان بی همتای عصر خویش بود. و در قرن سوم هجری زاده شد. از نوجوانی با صدایی دل کش می خواند؛ و از استادی به نام « ابو لعبک بختیار » درس نواختن بربط می گرفت. به زودی شهرت خنیاگری و آوازخوش او با شعرهایی که می سرود به همه جا رسید. و امیر خراسان، نصرین احمد سامانی را واداشت تا او را به دربار خویش بخواند.

رودکی در دربار سامانیان که آزاد اندیش و هنر پرور بودند از مکتب و تجمل بسیار برخوردار شد. او شاعری ستایشگر لذت های زندگی و شادی های آن است.

کتاب سبک شناسی دکتر شمیسا، شعر رودکی را در گروه شاعران سبک خراسانی و دوره ی سامانیان جای می دهد؛ که از دیگر شاعران معروف این دوره، شهید بلخی، ابو شکور بلخی، دقیقی، کسایی مروزی و منجیک ترمذی و فردوسی را می توان نام برد. از رودکی حدود ۹۰۰ بیت شعر به جا مانده که شامل مثنوی و قصیده می باشد. او را واضع رباعی نیز دانسته اند. شعر رودکی نمونه ی کامل شعری است با مختصات سبک خراسانی که روح حماسی اولین بار به طور کامل در اشعار او بسامد دارد. اما آنچه در وهله ی اول در شعر او نمایان است، روحیه ی شاد او در اشعار اوست که این روحیه در آثار همه ی شاعران کهن این سبک دیده می شود. (۱۳۷۹)

ویژگی های اشعار به جا مانده از رودکی همان طور که در بالا هم ذکر شد، همان ویژگی های معروف سبک خراسانی است. یعنی بسامد لغات عربی در آنها کم است؛ شعر ها حالت حرفی و مستقیم دارند؛ و کنایه در آنها دیده نمی شود. در تمام اشعار این دوره یک روحیه ی تساهل و خوش باشی و اغتنام وقت دیده می شود که شاید و صد البته می توان آن را مدیون وضع خوب شاعران و آزاد اندیشی و توانگری آنان دانست. اگر در جامعه فقری هم وجود داشته و اگر اندکی هم مشکلات اقتصادی بر دوش عامه ی

مردم بوده، این از تودرتوی دیوان های اشعار به جا مانده از شاعران این دوره مخصوصاً و دوره ی بعد (غزنوی) به دست ما نرسیده است. زیرا عموماً شاعران، طبقه ای از اجتماع بودند که با دربار سرو کار داشتند و جیره و مواجب خویش را از آنان داشتند. پس لزوماً فاصله ای (اگر چه ممکن است چندان زیاد هم نباشد که هست) با طبقات پایین جامعه داشته اند. و به همین دلیل است که دردهای اجتماع و غم های روزگار در اشعار این گونه شاعران درباری دیده نمی شود. تمام اندوه آنان این است که ممدوح از آنان دلگیر گشته و جیره و مواجب دیر شده است.

اما ما در مورد رودکی صحبت می کنیم. شاعری که از ذوق و قریحه ی خدادادی بهره داشت؛ و اگر مورد توجه ممدوحان بود، به خاطر استعدادهایی بود که در درونش نهفته بود.

اهمیت رودکی در تاریخ ادب خراسان نه تنها به سبب آن است که وی پیش از شاعران بزرگ دیگر به سرودن شعر پارسی روی آورده بلکه از آن جهت نیز هست که انواع مختلف شعر پارسی را به زیباترین و رساترین صورت ابداع کرد. او نخستین شاعری است که قالب های گوناگون شعر پارسی را بر پایه ای استوار بنا نهاد؛ و راه را برای ظهور بزرگانی چون فردوسی و سایر استادان عصر غزنوی هموار کرد. پیدایش رباعی را در شعر پارسی در طی داستان زیبایی به رودکی نسبت می دهند. رباعی شعری است کوتاه، مرکب از چهار پاره یا مصراع به وزنی خاص. نقل کرده اند که روزی رودکی چند کودک را دید که چهار مغز بازی می کردند. جمعی از مردم، شیفته ی ظرافت و هیجان کودکانه، به دورایشان گرد آمده بودند. رودکی به جمع آنان پیوست. کودکی شیرین زبان ضمن غلتاندن چهار مغز با سخنانی موزون، اشتیاق خود را برای افتادن آن درگودالی کوچک که به این منظور کنده بودند، بیان می داشت؛ و می خواند: « غلتان غلتان همی رود تا بن گود ». حرکت ملایم چهار مغز به سوی گود و انتظار و هیجان بازی و شیرینی رفتار کودک که همه را فریفته ی خود ساخته بود، چنان در طبع نازک شاعر اثر کرد که از آن پس رباعی های بسیار بر این وزن و آهنگ سرود. (مصفا، ۱۳۳۵) رودکی اشعار خود را به آواز خوش همراه

نواختن چنگ و بربط می خواند. تأثیر عظیم شعر معروف او « بوی جوی مولیان آید همی » در ادب پارسی مثل است. این موضوع حتی اگر در ادب فارسی هم افسانه ای بیش نباشد، می توان به تأثیری که شعر و آوازخوانی رودکی نزد ممدوحین داشته اشاره نمود. به هر صورت ماجرا از این قرار بوده که امیران و سپاهیان دربار امیر نصر از توقف طولانی او در هرات که حدود چهار سال به طول انجامید، ملول شده بودند؛ ناچار به رودکی روی آوردند تا به طریقی امیر را به سوی پایتخت، یعنی بخارا روانه کند. و برای او مقداری صله هم مشخص نمودند تا در صورت موفق شدن او در بازگرداندن پادشاه به بخارا به او پرداخت نمایند. رودکی بربط بر گرفت و شروع به خواندن این شعر معروف نمود. این نغمه های خوش چنان در دل امیر مؤثر افتاد که نوشته اند حتی به قدر پوشیدن کفش، به طرف بخارا حرکت نمود.

رودکی به داشتن بیش از صد هزار یا به روایتی دیگر یک میلیون و سیصد هزار بیت شعر در ادب فارسی معروف گشته است.

خلاصه اینکه رودکی شاعری بوده که به کثرت شعر در میان شاعران شهرت داشته و با تمام این تصانیف از شخصی با این گونه طبع روان و آسودگی خاطر و چیره دستی گفتار خیلی هم دور از عقل نمی تواند باشد که اشعارش به یک میلیون و سیصد هزار بیت هم بالغ باشد. (نفیسی، ۱۳۱۰) اما با تمام این احوال، از مجموع اشعارش تنها دو قصیده ی کامل و چند رباعی و مثنوی های پراکنده که تعداد آنها حتی به هزار هم نمی رسد (البته عده ای آن را بالغ بر هزار نیز دانسته اند) باقی مانده است.

رودکی در همه ی انواع شعر، دست داشته و در مدح، چیره دست بوده است. یکی از مهمترین آثار رودکی را می توان « کلیده و دمنه ی » منظوم آن دانست که بواسطه ی این نظم، از امیر نصر صله ی فراوان گرفت.

دکتر کزازی نیز درباره ی تعداد ابیات رودکی با استناد به شعر معروف رشیدی سمرقندی:

گر سری یابد به عالم کس به نیکو شاعری رودکی را بر سر آن شاعران زبید سری

شعر او را بر شمردم سیزده ره صد هزار هم فزون آید اگر چونانکه باید بشمری

این گونه اظهار نظر کرده اند: اگر رشیدی سمرقندی شعر رودکی را تنها یک بار شمرده باشد شعر او یک میلیون و سیصد هزار بیت خواهد بود؛ که بر گزاف و نپذیرفتنی می باشد. اما اگر آن را سیزده بار شمرده باشد، که درست تر به نظر میرسد، می شود صد هزار بیت. (۱۳۸۰)

دلیل اینکه رودکی را یکی از شاعران پرگوی ادبیات فارسی می دانیم شاید به این خاطر است که بیشترین تعداد شعر از همین شاعر باقی مانده؛ هر چند ممکن است تعداد ابیات آن به نصد هم نرسد؛ و یا قسمت بزرگی از آن از شاعران دیگر باشد. و تمام این ها را شهرت بی اندازه ی رودکی باعث گردیده است؛ زیرا اکثر مردم دوست دارند که خود را شبیه افراد مشهور و سر شناس کنند؛ مانند آنها زندگی کنند؛ مانند آنها لباس بپوشند و حتی گفته هایشان و صحبت هایشان را اقتباس کنند. اما این امر در مورد افراد گمنام هیچ گاه صورت نمی پذیرد. نه گفته ای از آنها گرفته می شود، نه همانندی ای ممکن است بوجود بیاید و نه حتی متمایل شدنی.

درین دوره علاوه بر رودکی شاعران دیگری نیز زندگی کرده اند؛ شعر گفته اند؛ اما فقط یک نفر لقب «سلطان شاعران»، «آدم الشعرا»، «صاحبقران شاعری» و «کاروان سالار شاعران» (میرزایف، ۱۹۵۸م: ۴۰۴) را می گیرد. و شاید یکی از دلایلی که رودکی را نخستین شاعر ادبیات فارسی نامیده اند این باشد که شهرت بی اندازه ی او به قدری بوده که فروغ پیشینیان را از بین برده است. سادگی زبان او را بعد از گذشت قرن ها هنوز فارسی زبانان می توانند درک کنند؛ و هنوز هم اشعار رودکی به تمام آنهایی که زبان فارسی را می فهمند شور و نشاط خاص می بخشد. به همین خاطر بوده که بعد از او و حتی در زمان حیات او، شاعران به اقتفای اشعار او می پرداختند و هر کسی به مقتضای توانایی خود و بضاعت علمی که داشت، جواهری از این دریای نا پیدا کران به دست می آورد.

۲-۲- مدایح، دربار سامانیان

این بخش، قسمت اصلی مبحث ما، یعنی ورود رودکی به دربار سامانیان، انعام هایی که بابت اشعار و خنیاگری اش گرفته و سفرهایی که درین باره انجام داده، چگونگی طلب صله و..... می باشد. تا بدین جا گوشه هایی از تاریخ زندگی رودکی مورد بررسی قرار گرفت. اما به عنوان جمع بندی، قسمت هایی از آنچه را که دولتشاه سمرقندی در کتاب خود آورده ذکر میکنیم تا با یک مقدمه و پیش زمینه وارد این مبحث گردیم.

کتاب تذکره‌ی دولتشاه سمرقندی اگر حتی قسمت های غلط و زاید زندگینامه‌ی شاعران را در بر داشته باشد، اما اکثر نویسندگان ما در کتاب های خود نظری نیز به این کتاب داشته اند. ما هم به خاطر قدمت این کتاب، بخش هایی از آن را در این قسمت بیان میکنیم.

« استاد ابوالحسن رودکی در روزگار دولت ملوک سامانیه، ندیم مجلس امیر نصر بن احمد بود. وجه تخلص رودکی گویند بدان جهت است که رودکی را در علم موسیقی مهارتی عظیم بوده و بربط را نیکو نواختی. و بعضی گویند که رودک موضوعی است از اعمال بخارا و رودکی از آنجاست. فی الجمله طبعی کریم و ذهنی مستقیم داشته و از جمله‌ی استادان فن شعر است. و کتاب کليلة و دمنه را در قید نظم آورده و امیر نصر را در حق او صلوات گرانمایه بود. چنانکه استاد عنصری شرح آن انعام در قصاید خود می گوید. خواجه حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده می گوید که امیر نصر بن احمد سامانی را چون ممالک خراسان مسلم شد و به دارالملک هرات رسید، باد شمال و هوای به اعتدال آن شهر جنت مثال، امیر را ملایم طبع افتاد. نوبهار سرخس و تموز کهسار بادغیس و خزان پر نعمت هرات و حوالی شهر مشاهده می کرد و امیر را دارالملک بخارا که تخت گاه اصلی آن خاندان است، از خاطر محو شد. امرای دولت و ارکان حضرت سلطنت را چون وطن و مسکن و ضیاع و عقار از قدیم الایام در بخارا بود، از مکث امیر در هرات ملول شدند؛ و به هیچ حيله امیر قصد بخارا نمی کرد. آخر الامر استعانت به استاد رودکی بردند

تا امیر را در مجلس شراب، ذکر نعیم بخارا و هوای آن ملک جنت مثال، بر زبان گذشت. استاد رودکی، بدیهه این ابیات نظم کرده به عرض رسانید:

بوی جوی مولیان آید همی	یاد یار مهربان آید همی
ریگ آموی و درشتی های آن	زیر پایم پرنیان آید همی
آب جیحون با همه پهناوری	خنگ ما را تا میان آید همی
ای بخارا شاد باش و شاد زی	شاه سویت میهمان آید همی
شاه ماه است و بخارا آسمان	ماه سوی آسمان آید همی
شاه سرو است و بخارا بوستان	سروسوی بوستان آید همی

این قصیده ای است طویل و ایراد مجموع آنرا این تذکره تحمّل نیاورد. گویند که امیر را چنان این قصیده به خاطر ملایم افتاد که موزه در پای ناکرده سوار شد و عزیمت بخارا کرد « (دولت‌شاه سمرقندی، بی تا: ۳۶-۳۷) »

این داستانی است که اکثر کتاب های تاریخ ادبیات، با کمی الفاظ را جا به جا کردن و پس و پیش نمودن، از آن ذکری به میان آورده اند. اما همه بر این تصدیق دارند که شعر رودکی ابیاتی ساده بوده که حتی صنایع لفظی و بدیعی هم نداشته است؛ اما شاید به خاطر اینکه رودکی آن را با ساز و آواز اجرا می‌نموده، به قول معروف « خون در رگ های امیر به جوش آمده » هوای وطن میکند. حال اینکه بی موزه رفته یا با موزه را شاید نوعی اغراق، که ویژگی برجسته‌ی هر تعریف و تصدیق است و خصوصاً از دیر باز در میان ما ایرانیان وجود داشته دانست.

متأسفانه آگاهی های ما در مورد کودکی و جوانی رودکی و چگونگی گذران زندگی اش قبل از آمدن او به دربار، خیلی ناچیز است و شاید بتوان گفت اصلاً آگاهی نداریم. جز اینکه محلّ تولد او کجا بوده و